افزایش تعرفه در کشتارگاه صنعتی گرگان

گروه شهرستانها - افزایش تعرفه کشتار در کشتارگاه صنعتی شهر گرگان موجب شده تا تعدادی از قصابان این شهر از عرضه گوشت قرمز در مغازه های خود خودداری کنند. به گفته تعدادی از این قصابها، افزایش سه برابری هزینه کشتار دام از مهم ترین دلایل برای عرضه نکردن گوشت قرمز بوده است.

یکی از قصابان محله گلهای گرگان گفت: شهرداری و شورای شهر به قصابان اعلام کرده اند که از این پس نرخ تعرفه کشتار برای هر رأس گوسفند ۱۰ هزار ریال و برای هر رأس گاو وگوساله ۶۰ هزار ریال است که در این صورت ذبح دام و عرضه گوشت قرمز برای قصابان مرکز استان گلستان به صرفه نیست.

«حسین طاهری» یکی دیگر از قصابان گرگان اظهار داشت: اگر قصابها بخواهند برای کشتار دام در کشتارگاه گرگان عوارض سنگین بپردازند به طور طبیعی نیز قیمت گوشت افزایش می یابد و در این بین بیشترین ضرر متوجه مردم می شود.

«حسین قجری» رئیس شورای شهر گرگان نیز در این زمینه گفت: حدود یک سال پیش زمانی که کار گروه بهداشت، کشتارگاه گرگان را تعطیل کرد شهرداری اقدامات اولیه را برای تجهیز و تبدیل این واحد به یک کشتارگاه صنعتی شروع کرد که در این ارتباط دو میلیارد ریال برای ساخت و تجهیز کشتارگاه گرگان برآورد شد.

وی افزود: برای آنکه این کشتارگاه به صورت زیربنایی و اساسی ساخته و تجهیز شود شورا تصویب کرد که برای آن حدود ۱۰ میلیارد ریال هزینه شود و کاملاً واضح است که با توجه به هزینه ای که شهرداری انجام داده است، تعرفه کشتار آن نیز تغییر کند. وی با بیان اینکه اداره بازرگانی مسؤول تنظیم بازار است و این تعرفه براساس نظر این اداره به ما ابلاغ شده است، خاطرنشان ساخت: ابتدا به ما اعلام کردند که تعرفه کشتار هر رأس گوسفند ۱۵ هزار ریال و گاو و گوساله ۷۰ هزار ریال باشد اما کمیسیون نظارت شورای شهر با این کار مخالفت کرد و قیمتها را به ۱۰ هزار و ۶۰ هزار ریال تقلیل داد.

وی تأکید کرد: تمام قصابی ها موظفند به مردم گوشت بفروشند و حق ندارند که برای رسیدن به خواسته های خود از فروش گوشت به مردم خودداری کنند.

نابودی ۲۳۰ هزار تن چای خشک در انبارهای شمال

نوشهر، خبرنگار «ایران»: ۲۳۰ هزار تن چای خشک به ارزش ۲ هزار میلیارد ریال که محصول سالهای ۷۹ تا ۸۳ است در کارخانه های چای شمال در حال نابودی است.

«رضاییان» رئیس انجمن صنفی کارخانه های چای شمال با اعلام این خبر گفت: با این وجود چایکاران هنوز ۱۷۰ میلیارد ریال دیگر از کارخانه های چای شمال طلبکار هستند. وی افزود: امسال کارخانه های چای ۱۲۶ هزار تن برگ سبز چای از کشاورزان چایکار خریداری کرده اند که از این میزان ۹ هزار تن چای خشک استحصال شده است. وی تصریح کرد: در حالی که واردات چای از مدتی قبل با هدف کمک به چایکاران و کارخانه های چای سازی ممنوع شده، واردات بدون وقفه چای خارجی به کشور سبب شده تا ۲۳۰ هزار تن چای در این انبارها باقی بماند.

تهیه و تولید آمپولهای مرفین با استفاده از آنتی بیوتیکهای دامی

قزوین، خبرنگار «ایران»: اعضای یک باند تهیه و تولید مواد مخدر که اقدام به تهیه محلولهای دست ساز مرفین در قزوین می کردند، شناسایی و دستگیر شدند. سرهنگ «عباس زارع» معاون اداره مبارزه با مواد مخدر استان قزوین با اعلام این خبر گفت: این اقدام توسط یک پدر به همراه پسر و دو همدست خود در یک گاوداری در جاده قدیم نظرآباد به صورت پنهانی انجام می شده است. به گفته وی، در محل اختفای این افراد، ۲۰۰ آمپول آماده فروش، ۵۰۰ شیشه خالی، تعدادی سرنگ، یک دستگاه پرس آمپول ساز، برچسب های اصلی آمپول و ۵۰ گرم تریاک کشف و ضبط شد. در حال حاضر دو نفر از اعضای این باند متواری هستند.

کشف ۱۶ گور تاریخی در تالش

رشت، خبرنگار «ایران»: طی کاوشهای باستان شناختی در منطقه آق اولر شهرستان تالش، ۱۶ گور از نوع حفره ای و چهار چینه سنگی که متعلق به نیمه اول هزاره قبل از میلاد است، کشف شد. «حمیدرضا آذرپور» سرپرست اداره تبلیغات و اطلاع رسانی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان گیلان در این باره گفت: از داخل این گورها، اشیای آیینی که در هنگام تدفین طی مراسمی در کنار اجساد قرار داده می شد به دست آمده که شامل اشیای تزیینی مفرغی از قبیل آینه های مفرغی، گوشواره ها و النگوهای مفرغی، پلاکهای مفرغی، لوازم رزم فلزی شامل شمشیر، سر پیکان فلزی و ظروف فلزی (آبریزها با اشکال مختلف) است.

یزد کارتن خواب ندارد

گروه شهرستانها - شهر یزد، تنها شهری است که به هیچ وجه کارتن خواب ندارد. «محسن ابوترابی» عضو کمیسیون فرهنگی شورای شهر یزد با تأکید بر مسأله فوق افزود: در حال حاضر معضل عمده ما در این زمینه وجود کودکان خیابانی است.

وی اظهار داشت: این کودکان بیشتر وقت خود را برای ایجاد مزاحمت توریستها تلف می کنند و اکثریت قریب به اتفاق این کودکان خیابانی را کودکان افاغنه تشکیل می دهند. به گفته وی، جمع آوری این کودکان در دستور کار مسؤولان استان قرار گرفته است.

طبخ ماکارونی ۱۲۰۰ کیلوگرمی در اصفهان

اصفهان، خبرنگار «ایران»: بزرگ ترین ماکارونی دنیا به وزن ۱۲۰۰ کیلوگرم با گوشت ماهی و میگو ۲۷ آبان ماه در حاشیه اولین جشنواره استانی مصرف آبزیان در مجموعه فرهنگی تفریحی باغ غدیر اصفهان طبخ می شود. در این جشنواره که از ۲۵ آبان ماه افتتاح می شود، جشن بادبادکها همراه با تصاویر ماهی بر روی آن، مسابقه عکاسی، نمایشگاه دستاوردهای شیلات، آموزش طبخ ماهی، غرفه صید ماهی و برنامه آزادسازی ۵ هزار نوع ماهی در زاینده رود به اجرا درمی آید. همچنین ۲۶ آبان ماه آشپزهای حرفه ای و آماتور اصفهان با در دست داشتن کارت حضور در مسابقه آبزیان و میگوهای طبخ شده خود را با در نظر گرفتن کیفیت و اقتصادی بودن آن تزئینات و سهولت پخت به مسابقه می گذارند.

آسیب شناسی اقتصاد ایران در گفت‌وگو با دکتر فرشاد مؤمنی

حکایت همچنان باقیست

دکتر فرشاد مؤمنی، از نظریه پردازان اقتصادی کشور که در «طیف دانشگاه علامه» قرار دارد، را در یک روز عصر پاییزی در مؤسسه تحقیقات دین و اقتصاد، مؤسسه ای که مرحوم عالی نسب پایه گذار آن بود، ملاقات کردیم.

پیش از انجام مصاحبه خاطراتی را از دولت های میر حسین موسوی، هاشمی و خاتمی تعریف کرد. خاطراتی که مکتوب شدن آن می تواند برای تحقیقات توسعه ای ایران مفید باشد.

او معتقد است تا زمانی که برنامه ریزی در ایران «علمی» نشود برنامه های توسعه ای به اهداف خود نمی رسند و به گفته او «این حکایت همچنان باقی است...»

محور گفت‌وگو آسیب شناسی اقتصاد ایران طی سال های پس از جنگ تحمیلی و نقد برنامه های توسعه است. برای ورود به بحث این سؤال مطرح است که به نظر شما در برنامه های توسعه کشور چه نکاتی باید پیش بینی می شد که نشد و چه مسائلی دیده شد که باید اجرا نمی شد؟

مملکت ما به طور کلی کشور ویژه ای است. از جهات متعددی شاید بتوان گفت که در دنیا منحصر به فرد است. طبیعتاً این ویژگی های منحصر به فرد، آثارش را در برنامه ریزی ما هم منعکس می کند به طور مثال در همه جای دنیا پیشرفت منوط و موکول به این است و بیشترین وسواس ها و دقت ها در زمینه مشخص کردن و تدقیق اهداف صورت می گیرد. یعنی همه، هر نوع همفکری یا چالش فکری یا برخورد فکری ای که دارند، بالاترین سطح انعکاس آن روی هدف گذاری صورت می گیرد ولی در برنامه های توسعه در ایران چه بعد و چه قبل از انقلاب، برنامه ریزان همواره به جای اهداف، فهرست آمال و آرزوها را گذاشتند و ما هنوز هم یک متن دقیق و شسته رفته ای در زمینه منطق و ساز و کار هدف گذاری در برنامه توسعه نداریم و به همین خاطر است که می بینید آنچه که به عنوان هدفگذاری در برنامه ۱۳۲۷ وجود دارد، با هدف هایی که در برنامه های چهارگانه بعد از انقلاب طراحی شده، ممکن است ادبیاتش تغییر کرده باشد ولی به لحاظ مضمونی هیچ تفاوتی نکرده است. ما همواره روی هدف گذاری دقت کافی نداریم و از کانال های بی شماری خسارات سنگینی به کشورمان تحمیل می شود اما گویی سنت حاکم در ایران این است که باید با بیماری ها و عارضه ها خو گرفت به جای اینکه آنها را برطرف کرد. بنابراین، این سنت تداوم پیدا کرده و تا به امروز هم وجود دارد و حتی درسند چشم انداز، این مسأله به وضوح روشن است که ما بیشتر از اینکه با منطق علمی و با طی کردن فرآیندهای شناخته شده تصمیم گیری هدفگذاری کنیم، در واقع بیشتر آمال و آرزوهای خودمان را منعکس کردیم. این آمال و آرزوها معمولاً حکم مشترک لفظی دارند یعنی همه در ظاهر فکر می کنند راجع به آمال و آرزوها یک چیز می فهمند اما وقتی مقام عمل پیش می آید، هر کس براساس برداشت های خودش آمال و آرزوها را پیگیری می کند. بنابراین شما می بینید که ما بیشترین سطح تعارض ها را در مقام اجرای برنامه ها داریم و این البته مربوط به زمانی است که اصل بر این است که برنامه اجرا بشود، در حالی که بخش غالب تاریخ اقتصادی ما حکایت از این دارد که اصل بر اجرای برنامه هم نبوده است. اما حتی اگر اصل بر اجرای برنامه هم باشد، چون خشت اول همیشه کج گذاشته شده ما با مشکل مواجه می شویم.

به گفته شما اهداف برنامه توسعه ۱۳۲۷ با اهداف چهار برنامه توسعه پس از انقلاب فرق نکرده است. آیا می توان این طور نتیجه گیری کرد که طی این ۵۰ سال گذشته توسعه ای در کشور رخ نداده که اهداف فرقی نکرده است؟

قطعاً تغییرات بسیار شگرف و بنیادی در عرصه های متعددی در این ۵۰ ساله اتفاق افتاده اما مسأله این است که اگر فهرستی از موانع بنیادی توسعه ملی ما تهیه شود، تعداد اندکی از آنها مرتفع شده است من اولین بار که به این مسأله حساس شدم، زمانی بود که ناگزیر شدم یک دور دیگر کتاب «گنج شایگان» مرحوم جمال زاده را مطالعه کنم. این کتاب، اولین کتابی است که درباره اقتصاد ایران در قرن بیستم نوشته شده و در آن ضوابط علمی یک کار پژوهشی رعایت شده است. من با خواندن این کتاب متوجه شدم جمالزاده در جمع بندی خودش راجع به مسائل ایران به نکاتی اشاره می کند که اگر امروز هم بخواهیم راجع به موانع توسعه ایران بحث کنیم، فقط کافی است الفاظ را تغییر بدهیم ولی به لحاظ مضمونی همان ها هستند. یکی از مسائلی که آن موقع جمالزاده مطرح کرده به تعبیر امروزی، مسأله نظام تصمیم گیری کشور است. او اشاره می کند به اینکه در دولت نظام تصمیم گیری درست عمل نمی کند در دوران مدرن نظام تصمیم گیری ای که خوب کار می کند، مشخصه های متعددی دارد اما یکی از برجسته ترین مشخصه ها این است که در امور تخصصی باید علم فصل الخطاب باشد در حالی که شما می بینید که در کمتر حوزه تخصصی و عرصه مسائل توسعه ملی در ایران است که علم فصل الخطاب باشد. مثلاً راجع به برنامه ریزی توسعه که شاید شگفت آور باشد که تعیین راهبردها و تدوین برنامه ها و مسؤولیت های کلیدی اش در کل برنامه ریزی توسعه در ایران جز مقاطع بسیار استثنایی توسط کسانی انجام شده که هیچ صلاحیت تخصصی در زمینه توسعه نداشته اند با اینکه امروز در دنیا حداقل در ۴۷ حوزه تخصصی با لفظ مشترک اقتصادی و تا مرز دانشجوی دکترای متخصص تربیت می کنند ولی هنوز در نظام تصمیم گیری ما به این نکته توجه نشده است در حالی که کسانی که مثلاً تخصص اقتصاد خرد دارند با آنهایی که تخصص اقتصاد کلان دارند فرق می کنند و هر دوی آنها با کسانی که تخصص توسعه دارند فرق می کنند. خوب است که در اینجا ذکر خیری هم از استاد فقید دکتر حسین عظیمی بکنم که ایشان زمانی که برنامه شکست خورده تعدیل ساختاری در ایران اجرا می شد با اینکه مسؤولیتی در سازمان برنامه و بودجه وقت داشتند، وقتی که مجلس سوم از ایشان دعوت کرد که نظراتش را بی پرده بگوید، انتقادات صریح خودش را ابراز کرد و به خاطر همان مسأله هم محترمانه عذر ایشان از سازمان برنامه و بودجه خواسته شد و ایشان با یک لبخند تلخ به من گفتند که از کسانی که اینجا هستند بپرسید در کل کسانی که در سازمان برنامه و بودجه مسؤولیت دارند به غیر از من چند نفر دیگر می توانند معرفی کنند که متخصص توسعه باشند خب در تمام دنیا وقتی کسانی که تخصص توسعه ندارند، برنامه توسعه بریزند، اگر آن امور موفق بشوند، مایه تعجب است ولی در ایران چه در سازمان برنامه چه در بخش های دیگر افرادی گمارده می شوند که تا روزی که حکم را گرفتند نه یک روز تجربه عملی در آن دستگاه داشتند نه یک روز کار جدی علمی در آن حوزه کرده اند، بعد هم که کارها در مسیر مطلوبش جریان پیدا نمی کند، کسانی که آنها را گماردند، تعجب می کنند. این در حالی است که در تمام دنیا وقتی پیشرفتی اتفاق می افتد اگر کسانی که نه صلاحیت تجربی دارند و نه صلاحیت تخصصی، کارها را خراب نکنند و به هم نریزند، همه تعجب می کنند. آن وقت طنز تلخی که در مورد برنامه ریزی در ایران وجود دارد، این است که آنهایی که حداقل خودشان می دانستند حوزه تخصصی شان توسعه نیست و چارچوب نظری ای هم که بر آن باور دارند، نسبتی با ملاحظات توسعه ندارد، آمدند و این کارها را انجام دادند و کارها را به هم ریختند و بعد فریاد زدند که تجربه ایران نشان داده که برنامه ریزی شکست خورده در حالی که آن چیزی که شکست خورد، برنامه ریزی نبود بلکه برنامه ریزانی بودند که صلاحیت های تخصصی کافی نداشتند و به بدیهیات اولیه امر برنامه ریزی توسعه هم توجه نکردند.

این بدیهیاتی که باید در برنامه ریزی توسعه بدان توجه می کردند چه بود که در برنامه اول به آن توجه نشد چون برنامه دوم که اصلاً به اجرا درنیامد.

البته برنامه اول هم اجرا نشد حتی به نظر من برنامه سوم هم اجرا نشد.

پس شما معتقد هستید در کل سه برنامه، منطبق با اهدافی که در نظر گرفته بودند عمل نشد؟

من اینطور بحث را مطرح می کنم ما باید ذهنمان را به مهمترین فلسفه های برنامه ریزی توسعه حساس کنیم مثلاً یکی از مهمترین فلسفه های برنامه ریزی توسعه این است که دولت و ملت هم قسم می شوند که در یک افق زمانی میان مدت سیاست ها و جهت گیری های کلیدی تغییر نخواهد کرد و از این طریق در واقع یک بستر و فضای باثبات و امنی برای همه بازیگران عرصه اقتصاد ایجاد می کنند. شما ببینید در برنامه اول و دوم و سوم اولین تقاضا برای تجدیدنظر در قانون برنامه توسط خود دولت و در همان ماه های اولیه پس از تصویبش به مجلس داده شد یعنی خود متولیان این امامزاده جزو اولین کسانی بودند که حریم شکنی کردند و تازه این مربوط به حوزه هایی می شود که خواستند به صورت قانونمند رفتار کنند. حوزه دیگرش هم این است که بسیاری از مسلمات برنامه ها را نقض کردند و خلافش را عمل کردند و متأسفانه آبی هم از آب تکان نخورد و چیزی که به نظر من جالب به نظر می رسد، این است که بعد از اینکه هدفگذاری دقیق مشخص شد، در ادبیات توسعه اصل سازماندهی براساس هدف یکی از اصول بدیهی اولیه است. ما وقتی که هدف را شناور می کنیم، دیگر سازماندهی هم بی معنا می شود و شما می بینید که در نظام اجرایی کشور ما دائماً در حال بسط و قبض سازمانی هستیم یک روز به این جمع بندی می رسیم که وزارت صنایع، وزارتخانه خیلی بزرگی است و از عهده مسؤولیت های بزرگ و خطیر توسعه صنعتی برنمی آید کلی انرژی مادی و انسانی از این کشور سوخته می شود تا وزارت صنایع تبدیل به سه وزارتخانه بشود بعد از چند وقت می بینید که آمال و آرزوها محقق نشد برای اینکه طراحی هدف برای برنامه توسعه، تخصص و صلاحیت های بسیار سطح بالا می خواهد و یک سری مقدمات و زمینه ها و بستر هایی می خواهد که با کمال تأسف بخش مهمی از آن ها در ایران هنوز مسأله اش مطرح نیست چه برسد به اینکه اجرا بشود به هر حال بعد از آن که آمال و آرزوها محقق نمی شود، دوباره فرآیند منقبض کردن را در دستور کار قرار می دهند. همان طور که گفتم خیلی بد است که هنوز چند سال نگذشته به وضعیت قبلی برمی گردیم بنابراین یک دوره گذار تعیین کردند و وزارت صنایع و صنایع سنگین را ادغام کردند و چند وقت بعد معادن و فلزات را هم با آن ادغام کردند و برگشتیم به جای قبل شبیه به این قضیه در بقیه دستگاه ها وجود دارد در وزارت کشاورزی زمانی بحث بر این بود که وزارت کشاورزی به تنهایی یک دستگاه بسیار عظیمی است و حتی طرح های اولیه اش همه تهیه شد که فقط وزارت کشاورزی تبدیل به سه وزارتخانه بشود هنوز چند وقتی از این ایده نگذشته بود که حتی گفتند وزارت کشاورزی به تنهایی کوچک است و جهادسازندگی را با آن ادغام کردند. به هر حال در کل آن فرآیند نکاتی مطرح بود که تا وقتی حل نشود، این قبض و بسط تشکیلاتی فقط هزینه های انسانی و مادی عظیمی را به کشور تحمیل می کند به اضافه این که مشکل را حل نمی کند و جالب اینکه بعضی از دست اندرکاران سیاستگذاری این ادغام چند ماه بعد در جلساتی که داشتند ابراز ندامت و پشیمانی می کردند و می گفتند اشتباه بزرگی کردیم حالا ممکن است که در برابر آن ها کسانی مهم باشند که فکر کنند اشتباه بزرگی نشده ولی بحث بر سر این است که سازماندهی باید بر اساس هدف صورت بگیرد و ما سهل انگارانه ترین برخوردها را در زمینه نحوه مواجهه با اهداف انجام می دهیم، برای اشاره به یکی دیگر از مسائل باید بگوییم در تمام دنیا فرآیند توسعه فرآیندی است که شما به صورت برنامه ریزی شده بر عدم اطمینان و ناامنی های طبیعی غلبه پیدا می کنید چون ناامنی و عدم اطمینان، مهم ترین مانع انباشت سرمایه های انسانی و فیزیکی است بنابراین در فرآیند توسعه ابتدا ناامنی و عدم اطمینان ها با منشاء طبیعی را برطرف می کنند بعد سراغ به حداقل رساندن مخاطره های ناشی از تعاملات بین انسان ها می روند. در همایشی که به همت مرحوم دکتر عظیمی در آستانه تدوین برنامه چهارم توسعه برگزار شد نهاد پژوهشی متعلق به وزارت جهاد کشاورزی درگزارشی که ارائه کرد، نشان داده بود که طی سال های اجرای برنامه های توسعه در ایران از برنامه اول عمرانی ۱۳۲۷ تا سال پایانی برنامه سوم توسعه بعد از انقلاب، میزان ناامنی های طبیعی در اقتصاد ایران در بعضی زمینه ها نزدیک به ۱۰ برابر افزایش پیدا کرده است مثلاً یکی از زمینه های بسیار تکان دهنده سیل بود در این خصوص طی چند دهه ای که ما تجربه برنامه ریزی توسعه داشتیم روند و تعدادسیل های وقوع پیدا کرده در دوره های زمانی معینی را شناسایی کرده و آمارش را داده بودند که این روند رو به صعود بود. خب این عجیب است که ما برنامه های توسعه می ریزیم اما به جای این که با این مسائل بنیادی برخورد بکنیم اصل وجود آنها را به رسمیت می شناسیم و ساز و کار هم آواز شدن و دمساز شدن با آن ها را طراحی می کنیم و اسمش را برنامه توسعه می گذاریم شاید جالب باشد که در یکی از آخرین تلاش های جدی ای که در چارچوب مواجهه با فقر در ایران صورت گرفت، در سال پایانی دولت آقای خاتمی گزارشی از سوی وزارت رفاه تحت عنوان گزارش فقر و نابرابری در ایران تهیه شد که در آن تصریح شده بود که در شرایط کنونی ایران جزو ده کشور اول بلاخیز در دنیا به حساب می آید و بعد آمار داده بود که از ۴۲ نوع بلایای طبیعی شناسایی شده در دنیا، به طور منظم و یا بافراز و نشیب هایی ۳۳ نوع از این ۴۲ نوع در ایران به وقوع می پیوندد. خب باید این مسأله را ریشه یابی کنیم و از نظر بنیان های روش شناختی ببینیم که ما چه نوع نگاهی به توسعه داشته ایم که برای مواجهه با بلایای طبیعی نقشی در توسعه در نظر گرفته نشده است متأسفانه فهرست این وجوه خیلی طولانی است و این خیلی غم انگیز است. در سال ۱۳۷۷ به مناسبت پنجاهمین سال تجربه برنامه ریزی توسعه در ایران همایشی توسط مرکز تحقیقات اقتصاد ایران در دانشکده اقتصاد علامه با مشارکت سازمان مدیریت و برنامه ریزی برگزار شد عنوان مقاله ای که من در آن همایش ارائه کردم، تلقی از توسعه و تجربه ۵۰ ساله برنامه ریزی در ایران بود. در آن جا با استناد به اسناد این دوره ۵۰ ساله نشان دادم که ویژگی مشترک همه برنامه های توسعه ای که در این پنجاه سال ریخته شده این است که در هیچ کدام از آن ها به ضوابط و معیارهای علمی تعریفی از توسعه ارائه نشده یعنی گویی ما ۵۰ سال در جست وجوی چیزی بودیم که نمی دانستیم چیست.

ادامه دارد

یکی از مهمترین فلسفه های برنامه ریزی توسعه این است که دولت و ملت هم قسم می شوند که در یک افق زمانی میان مدت سیاست ها و جهت گیری های کلیدی تغییر نخواهد کرد و از این طریق در واقع یک بستر و فضای باثبات و امنی برای بازیگران عرصه اقتصاد ایجاد می کنند اما در برنامه های توسعه اولین تقاضا برای تجدیدنظر در قانون برنامه توسط خود دولت و در ماه های اولیه پس از تصویب ارائه شد

ما بیش از اینکه با منطق علمی و با طی کردن فرایندهای شناخته شده تصمیم گیری هدفگذاری کنیم، در واقع بیشتر آمال و آرزوهای خودمان را منعکس کردیم

یکی از مشخصه های نظام تصمیم گیری در دوران مدرن، این است که در امور تخصصی باید علم فصل الخطاب باشد در حالی که می بینید در کمتر حوزه تخصصی و عرصه مسائل توسعه ملی در ایران است که علم فصل الخطاب باشد

راه‌اندازی واحد تولید شترمرغ در قم

قم، خبرنگار «ایران»: یک واحد تولیدی ۵۸ قطعه ای شترمرغ با سرمایه ای بالغ بر یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون ریال در قم توسط بخش خصوصی افتتاح شد. دکتر «زمانیان» مدیر این واحد خصوصی گفت: در این واحد تولیدی شترمرغ سعی شده که از نژاد بلژیکی که نژاد برتر نسبت به دیگر نژادها است، استفاده شود که اولین جوجه های این نژاد نیز در این واحد تولید شده است. گفتنی است، هم اکنون در استان قم ۵ مزرعه پرورش و تولید شترمرغ به ظرفیت ۳۵۰ قطعه در حال فعالیت هستند.

کانون فروشگاههای بزرگ تأسیس می شود

اهواز، خبرنگار «ایران»: کانون فروشگاههای بزرگ، زنجیره ای و چند منظوره به عنوان تشکل صنفی و فراگیر تأسیس می شود. مهندس امامی، قائم مقام سازمان بازرگانی استان خوزستان، با اعلام این مطلب گفت، اساسنامه این کانون تصویب شده است و تمامی فروشگاههای فوق به محض اخذ مجوز از وزارت بازرگانی باید عضو کانون شوند. وی هدف از تأسیس این کانون را توسعه کمی و کیفی فروشگاهها و فراهم ساختن تسهیلات و امکانات لازم در این زمینه، ایجاد هماهنگی در فعالیت اعضا و نظارت بر آن ها، بهبود روش های ارائه خدمات به مشتری، حمایت و دفاع از حقوق و منافع قانون اعضا ذکر کرد.

توجه رسانه های خارجی به نمایشگاه بازسازی عراق در کرمانشاه

کرمانشاه، خبرنگار «ایران»: رئیس دفتر سازمان رادیو و تلویزیون ژاپن، جمهوری اسلامی ایران را به لحاظ داشتن پتانسیل های بالای اقتصادی، تجاری و بازرگانی صادرکننده بی رقیب به عراق درآینده دانست.

«هیروشی شیمازاکی» که به منظور تهیه خبر و گزارش از همایش و نمایشگاه بازسازی عراق به کرمانشاه سفر کرده بود، گفت: مرز طولانی، اشتراکات فرهنگی و مذهبی ایران و عراق از عوامل مهم رشد و توسعه صادرات ایران به کشور عراق به شمار می رود. وی حل وفصل کردن روابط سیاسی دو کشور را نخستین گام در جهت رونق اقتصادی و ثبات در ارتباط با کشور عراق عنوان کرد و کیفیت محصولات و تنوع خدمات ارائه شده در نمایشگاه بازسازی عراق را مورد تحسین قرار داد.

در همین حال، «محمودالربیعی» سردبیر روزنامه های عراقی «القرار» و «فجر» بر گسترش همکاری های همه جانبه با جمهوری اسلامی ایران تأکید کرد و گفت: دشمنان عراق از ارتباط عمیق روحی فرهنگی ملت ایران و عراق خشنود نیستند و بقای خود را در اختلافات سیاسی دو کشور می بینند. وی که درحاشیه نمایشگاه بازسازی عراق در کرمانشاه سخن می گفت، افزود: همکاری مطبوعات و رسانه های ایران و عراق می تواند این فرصت را از دشمنان مشترک ما بگیرد و پوشش خبری مناسب در دو کشور باعث احیای ارتباط تاریخی این دو فرهنگ عظیم می شود. وی گفت: در حال حاضر ۱۸۰ نشریه متعلق به احزاب، اتحادیه ها و افراد مستقل در عراق فعال است که هر روز به تعداد آنها افزوده می شود. «هدایت حاتمی» معاون توسعه تجارت خارجی سازمان بازرگانی نیز از اهداف برگزاری این نمایشگاه و همایش را توجه دولتمردان و مقامات دو کشور به توانمندی ها، نیازهای مشترک و رسیدن به تفاهم اقتصادی عنوان کرد و گفت: بازار صادرات به عراق نیازمند برنامه ریزی و توجه بیشتر برنامه ریزان اقتصادی کشور است. استان کرمانشاه با داشتن ۳۳۰ کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق، از موقعیت ممتازی در بحث صادرات و تجارت با این کشور برخوردار است.

بودجه بهداشتی قم پاسخگوی نیازها نیست

قم، خبرنگار «ایران»: با توجه به زائرپذیر بودن شهر مذهبی قم و ورود سالانه ۱۰ تا ۱۵ میلیون نفر زائر به این شهر، سرانه بهداشتی استان قم با یک سوم میانگین کشوری، پایین ترین سرانه بهداشتی کشور است.

دکتر «بهروز براتی» رئیس دانشکده پزشکی قم با بیان این مطلب گفت: استان قم یک چهارراه مواصلاتی مهم در کشور است، به عنوان مثال هرگونه حادثه جاده ای که در این محدوده رخ دهد مصدومان آن را به قم منتقل می کنند بنابراین ناگزیریم از سرانه اندک بهداشتی استان برای درمان آنها هزینه کنیم که این امر موجب اجحاف در حق مردم استان می شود. بنابراین مسؤولان کشور باید هنگام اختصاص دادن بودجه به استان قم تنها جمعیت یک میلیونی آن را در نظر نگیرند بلکه به جایگاه مواصلاتی و مذهبی آن در کشور نگاه کنند و برای آن بودجه تعیین کنند.

وی با ابراز تأسف از وضعیت موجود بیمارستانهای دولتی استان گفت: تعداد کل تخت های بیمارستانی استان به ۸۰۰ تخت نمی رسد بنابراین رسیدگی به این وضعیت و راه اندازی بیمارستان جدید از ضروریات استان محسوب می شود.

وی با اشاره به کمبود بودجه برای راه اندازی بیمارستان «شهید بهشتی» تصریح کرد: برای راه اندازی مجدد این بیمارستان به ۵ میلیاردتومان بودجه نیاز داریم.

دکتر براتی در بخشی دیگر نسبت به واگذاری امور درمانی دولتی به بخش خصوصی انتقاد کرد و گفت: در دنیا اکثر دولتها به دو چیز سوبسید می دهند؛ یکی آموزش و دیگری درمان بنابراین در بخش درمان نمی توانیم بخش خصوصی را درگیر این مسائل کنیم زیرا سرمایه گذار در وهله اول به فکر سود و منفعت خود است، اما می توان امور خدماتی را به آنها واگذار کرد.

وی با بیان اینکه در بودجه سال جاری با بیش از ۵ میلیاردتومان کسری مواجه هستیم، خاطرنشان ساخت: از دولت تقاضا داریم نسبت به استان قم مانند سایر استانهای کشور نگاه کند و جایگاه ویژه ای برای آن در نظر بگیرد.